

مقاله شماره ۱۳۶

شناسایی و ارزیابی مهارت‌های اشتغال‌زا در نظریه اقتصاد دانش‌محور با استفاده از تکنیک دیمتل

شهلا یوسفی ده‌بیدی^۱، میلاد فهیمی^{۲*}، محمدتقی اسمعیلی^۳^۱ گروه مدیریت صنعتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر^۲ گروه مدیریت صنعتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز^۳ کارشناسی ارشد مدیریت تولید دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

* نویسنده مسئول مکاتبات: S.mfahimi@rose.shirazu.ac.ir

چکیده:

تغییرات در اقتصاد مبتنی بر دانش آن قدر سرعت صورت می‌گیرد که کارکنان پیوسته نیاز به کسب شایستگی‌های جدید دارند. سازمان‌ها دیگر افراد جدید فارغ‌التحصیل شده را به عنوان منبع اصلی مهارت نمی‌دانند. از این رو در این مقاله تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از نظرات ۵۵ نفر از مدیران و کارکنان ارشد بیمه ایران در استان فارس، برای بررسی و اولویت‌بندی مهارت‌های اشتغال‌زای کارکنان در این مجموعه مورد آزمون و بررسی قرار گیرد. پرسشنامه 36 سؤالی با طیف لیکرت پنج نقطه‌ای طراحی شد که از مهارت‌های اشتغال‌زا از نظریه اقتصاد دانش‌محور، تهیه گردیده است. ضریب پایایی کلی پرسشنامه معادل 0,92 محاسبه گردیده است و ابزارهای تحلیلی به کار گرفته شده در این مقاله شامل: spss19 برای به دست آوردن پایایی پرسش‌نامه و برنامه 12 Matlab و 2007 excel برای تحلیل مهارت‌های اشتغال‌زا در نظریه اقتصاد دانش‌محور و رتبه‌بندی آن به کار گرفته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که از بین مهارت‌های اشتغال‌زای شناسایی شده مهارت استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات در رتبه اول قرار گرفته است و بعد از آن تعهد برای یادگیری مداوم، توانایی و مهارت‌های ارتباطی و مهارت زبان انگلیسی در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی:

مهارت‌های اشتغال‌زا، اقتصاد دانش‌محور، dematel، بیمه ایران

۱ مقدمه

به عنوان پاسخی به فشارها و الگوهایی متغیر جهانی شدن آموزش و پرورش و اشتغال مورد بحث و بررسی قرار گرفته است [۲].. این تغییرات در بسیاری از جوامع ماهیت، قابلیت کار و تقاضای نیروی کار را تحت تأثیر خود قرار داده است و باعث شده تا یک ارتباط تنگاتنگ بین توسعه منابع انسانی و وجود دانش‌آموختگانی که از مهارت‌های لازم در خصوص کاربردی کردن دانش خود کسب کرده‌اند، به وجود آید. به همین دلیل است که امروزه در جوامع پیشرفته بر یادگیری میانی عملی مشاغل مورد نیاز در بازار کار و انتقال آموزش به محیط واقعی کار و تأکید بر تجربه-اندوختی در ساختارهای مختلف شغلی دارند. شاید توجه به ایجاد و نگهداری مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار در میان کشورهای توسعه‌یافته هرگز تا این اندازه فراتر نرفته است [۱].

این مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی و اشتغال‌زا را می‌توان دانش، بینش، نگرش‌ها و مهارت‌هایی دانست که موجب تحرک و پویایی افراد در روابط با دیگران، انتقال موفق از شغلی به شغل دیگر، حضور موثر در فعالیت‌های گروهی و نوآوری در حل مسائل می‌شوند [۳]. اهمیت این مهارت‌ها از آنجا ناشی می‌شود که موجب قابلیت تحرک شغلی بیشتر کارکنان می‌شود و

در مسیر انتقال به شرایط نوین و متغیر فن‌آوری‌های جدید صنعتی که بنیان‌های فلسفی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع را دچار دگرگونی عمیق کرده است و جوامع بشری در عمل ویژگی‌های پست مدرنیسم را در خود آشکار کرده‌اند، جوامع با چالش‌های متعدد ناشی از چنین تغییراتی مواجه شده‌اند. در چنین شرایطی نظام آموزشی می‌تواند در همسان‌سازی، هماهنگی و میانه‌گزینی دوباره جوامع با وضعیت جدید نقش مهمی را ایفا نماید. در این رهگذر یکی از مقولات مهم، بسیار اساسی و حساس نظام آموزشی در فراهم کردن شرایطی است که در آن نیروهای دانش‌آموخته بتوانند از مهارت‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌های کلیدی و متناسب با نیازها و شرایط دنیای صنعت و مشاغل برخوردار شوند. بررسی رسالت نظام آموزشی یک جامعه فراهم کردن شرایط رشد و توسعه قابلیت‌های افراد در ابعاد مختلف از مباحث اساسی است که می‌توان از زاویه‌های مختلف به بررسی آن پرداخت [۱].

به طور مثال خصوصی‌سازی نظام‌های آموزشی و ایجاد مهارت و قابلیت‌هایی متناسب با نیازهای شغلی جوامع یکی از راهبردهایی است که